



## خوابی که حضرت فاطمه (س) قبل از ولادت امام حسین (ع) دید

سوم شعبان سال چهارم هجری، فاطمه (س) نزد پدر می‌رود و خواب خود را بازگو می‌کند، پیامبر (ص) نگاهی به صورتش می‌کند، لبخندی بر لبانش نقش می‌بندد.

به مناسبت سوم شعبان

خوابی که حضرت فاطمه (س) قبل از ولادت امام حسین (ع) دید

سوم شعبان سال چهارم هجری، فاطمه (س) نزد پدر می‌رود و خواب خود را بازگو می‌کند، پیامبر (ص) نگاهی به صورتش می‌کند، لبخندی بر لبانش نقش می‌بندد.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه فارس، در سوم شعبان سال چهارم هجری بار دیگر خانه اهل نبوت غرق سرور و شادی می‌شود، نوری از انوار الهی پای در زمین می‌گذارد که لبخند را بر لبان حضرت زهرا (س) و امیرالمومنین به ارمغان می‌آورد، صفوف ملائک برای عرض تبریک بر پیامبر رحمت (ص) وارد می‌شوند و آسمان نیز در این شادی شریک هستند، آنچه که در ادامه می‌خوانید، ماجرای دوران حمل حضرت اباعبدالله (ع) در دانشنامه چهارده جلدی امام حسین (ع) چنین آمده است:

حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها این گونه به بازخوانی دوران حمل فرزند دلبندش می‌پردازد [1]:

یک ماه از دوران بارداری من به حسین (ع) می‌گذشت که در شکم خود حرارتی همراه با درد حس کردم، موضوع را به پدرم عرض کردم، پیامبر کوزه‌های آب خواست، بر آن دعایی خواند و فرمود: «این آب را بیاشام»؛ آشامیدم و خدا درد را برطرف کرد.

ماه دوم بارداری به پایان رسید، سپس نا آرامی و تحرکی را احساس کردم، در سه ماهگی حرکتی در شکم حس کردم و از آن به بعد، هیچ میلی به خوردن و آشامیدن نداشتم؛ گویا خدا مرا با جرعه‌ای شیر، سیر کرده بود، در منزل خود خیر و برکتی یافته بودم و خداوند با فرزندی که در شکم داشتم، مأنوسم کرده بود. جز برای امور ضروری از خانه بیرون نمی‌رفتم، آثار بارداری از ظاهر نمایان بود، ولی ابداً احساس سنگینی نمی‌کردم.

چون به ماه چهارم در آمدم، خدا مرا با او از تنهایی در آورد و مقیم مسجد شدم و از آن جز برای نیازهایی که برایم پدید می‌آمد، جدا نشدم و در همان برکت و سبکبال برون و درونم بود تا ماه پنجم را نیز به پایان بردم.

هنگامی که ماه ششم فرا رسید، در تاریکی شب نیازی به نور چراغ نداشتم و هر زمان که در سجاده خویش بودم، صدای تسبیح و تقدیس را از درون خود می‌شنیدم، کم‌کم ضعف مرا فرا گرفت.

چون 9 روز از ماه ششم گذشت، نیرویم افزون و میلم کم شد و این را به ام سلمه گفتم و خداوند به وسیله او مرا پشت‌گرمی داد.

\*ملائک مقرب الهی برای ولادت فرزند فاطمه (س) لحظه‌شماری می‌کنند

10 روز از ورود به شش ماهگی گذشت که ناگهان به خواب رفتم، در خواب، کسی نزد من آمد و بر پشت من دست کشید. بیدار شدم، وضو گرفتم و دو رکعت نماز گزاردم، بعد دوباره خواب مرا فرا گرفت؛ در خواب، کسی با لباسی سفید نزد من آمد، بالای سرم نشست و به صورت و پشت سرم دمید.

ترسان بلند شدم، دوباره وضو گرفتم و چهار رکعت نماز گزاردم، آن‌گاه دوباره خواب بر چشمانم چیره شد، در خواب، همان شخص نزد من آمد، مرا نشاند و دعایی بر گردن من آویخت، فردا صبح نزد پیامبر رفتم که در خانه ام سلمه بود، پیامبر نگاهی به صورتم کرد و آثار شادمانی در چهره‌اش پیدا شد، ترسی که در اثر مشاهده آن خواب به من چیره شده بود، از میان رفت، بعد خوابم را برای پیامبر حکایت کردم.

پیامبر فرمود: «171؛ بر تو بشارت باد! اولین کسی که در خواب نزد تو آمد، دوستم عزرائیل، موکل ارحام زنان است؛ دومین نفر، دوستم میکائیل، موکل ارحام اهل بیت من است که به سر و صورت تو دمید»؛ سپس پیامبر گریست و مرا در آغوش گرفت و فرمود: «171؛ نفر سوم، هم دوستم جبرئیل است که خداوند او را خدمتگزار فرزندان تو قرار داده است»؛ به منزل بازگشتم و

مدتی نگذشت که حسین (ع) متولد شد.

پی‌نوشت:

1. الخرائج و الجرائح و الجرائح و الجرائح؛ جلد 2، صفحه 843، حکمت 60 / #171؛ بحار الانوار؛ جلد 43، صفحه 272، حکمت

39